

گفت‌وگو با حمید نعمت‌الله و هادی مقدم‌دوست کارگردان و نویسنده فیلم «آرایش غلیظ»

هر خیالی را خیالی می‌خورد

مقدم‌دوست: در درام، شخصیت‌ها اعم از مثبت و منفی همگی فاعلند، یعنی رفتارشان از سوی خودشان سر می‌زند. می‌توانند مثلاً قربانی اجتماع باشند ولی ایستایی و انفعال ندارند. سهم تاثیر خود انسان در شکل‌گیری وضعیت وجود دارد. قصه‌هایی که شخصیت‌ها را خاستری می‌کنند، آدم‌ها در آنها منفعلند؛ آدم‌هایی که کامل نیستند. بخشی از کنش‌های آدم‌ها ریشه درونی دارد. در ادبیات نمایشی به این می‌گویند «خویش‌کاری».

این از شخصیت انسان قابل حذف نیست. ایراد شخصیت‌های خاستری هم همین است؛ اینکه نقش سهم تاثیر خود آدم‌ها در وضعیت موجودشان، فراموش شده است. این وضعیت تنها از شرایط بیرونی به وجود نمی‌آید. انسان موجود فاعلی است و در مورد آدم اصلی فیلم هم باید «خویش‌کاری» می‌دیدیم.

■ **سایان ایده‌های اولیه‌ای که داشتید، فیلمی نامتعارف در چارچوب سینمای ایران ساخته‌اید؛ فیلمی که مبتنی بر کلیشه‌های رایج سینمای ایران نیست و این نکته‌ای است که در سینمای ایران کمتر آن را می‌بینیم؛ اینکه شخصیت منفی به شکل علنی مواد مخدر مصرف می‌کند. از جایی که سفر آغاز می‌شود و فیلم از تهران بیرون می‌آید دائم در معرض حوادثی قرار می‌گیریم که مخاطب سینمای ایران کمتر با آنها مواجه شده است.**

نعمت‌الله: نه، ایده‌ایه اینکه مدلی از فیلم را بازتولید و با حواس جمع آن را راییزتر کنیم، فکر نکردیم. باید پیش این فیلم و داستان، حالتی تکوینی داشت اما از فیلم‌هایی نظیر خودش متاثر نشد. اگر بخوایم خاطرات همه را حل ساخت فیلم را مرور کنیم، نام هیچ فیلم خارجی و اینکه فیلم مثلاً تریلر باشد یا جاده‌ای، یا نوآور... به ذهن مان نمی‌رسد ولی اگر به حافظه مان رجوع کنیم می‌توانیم بگوییم که مراحل تکوین فیلم چگونه بوده، اما این شکل‌گیری از سمت سینما نبوده است و بیشتر می‌توانیم بگوییم که از سمت ادبیات و حکایت‌های شرقی آمده است.

■ **این حکایت‌های شرقی که می‌گویید در بطن فیلم‌ما چگونه شکل گرفت؟**

نعمت‌الله: معمولاً وقتی با هم صحبت می‌کنیم، مثلاً می‌گوییم یک طرحی هست و رویش حرف می‌زنیم. بعد سال‌ها در موردش حرف نمی‌زنیم اما در مورد «آرایش غلیظ» این گونه شروع شد که یک فیلم قصه‌گوسازیم و به جشنواره فجر ارسال کنیم.

مقدم‌دوست: پیش از آن حمید نزدیک به یک سال مترصد ساختن فیلم بود. خروجی آن یک سال ایده فیلم‌سازی در ذهن حمید ایستا بود؛ اینکه نقش منفی و قصه‌ای جذاب پرورکش از روابط آدم‌های اهل شرارت داشته باشد. بعد از این خروجی نوع فیلمش را برای خودش مشخص کرده بود. در آن یک سال این تصمیم‌ها از ابتدا رایش روشن بود.

نعمت‌الله: در نتیجه نشستیم به نوشتن فیلمنامه‌ای که راجع به احوالات اهل شرارت باشد، نقش منفی داشته باشد و داستانی پرکش و قوس را روایت کند. **مقدم‌دوست:** و بعد از فیلم‌هایی که اخیراً دیده‌ام، خیلی جذاب باشد.

نعمت‌الله: سال قبلش عضو هیات انتخاب و بازیینی جشنواره فجر بودم و باید دین آن فیلم‌ها، عنصر جذابی یک فیلم برایم مهم شد. منظورم از جذابیت، پرترک بودن و دینامیسم فیلم است.

■ **به ادبیات به عنوان منشاء ساخت فیلم اشاره کردی اما موضوع را نشناختی.**

مقدم‌دوست: نه، اینکه به طور مشخص از قسم خاصی از ادبیات مثلاً امثال و حکم برداشت کرده باشیم، یک تعریف و تصور کلی ما از حکایت‌های شرقی بود و یکی از چیزهایی که دائم تکرار می‌کردیم این مصراع از مولانا بود هر خیالی را خیالی می‌خورد، یعنی توی یک بازی قطور می‌شود که «دست بالی خود» وجود داشته باشد؟ در حقیقت این رابطه ما و «آرایش غلیظ» با ادبیات بود.

نعمت‌الله: در مراحل بعدی به این نتیجه رسیدیم که شبیه یک حکایت اخلاقی مثلاً در بوستان یا گلستان سعدی باشد. محتوای فیلم هم باید مثل حکمتی که از یک حکایت استخراج می‌شود، عمل کند.

مقدم‌دوست: یعنی با جرات و به راحتی می‌توانستیم بگوییم بار کج بهمنزل نمی‌رسد.

نعمت‌الله: اصلاً حکایتی از مثنوی بود که دقیقاً رویش فکر می‌کردیم. آن حکایت که سه درد، برای یکدیگر نقشه می‌کشند تا دیگری را حذف کنند و در نهایت هر سه کشته می‌شوند و مال در دیده شده نمی‌رسند. این حکایت را در ذهن داشتیم.

مقدم‌دوست: بعدها که خواستیم این ایده را تبدیل به فیلم کنیم شاید کمی به گنج‌های سییرا مادر» و افسانه‌هایی از این قبیل فکر کردیم.

■ **در وضعیتی که سینمای ایران داستان‌های جذاب و پرکشش ندارد و قهرمان منفی هم پرورش نمی‌دهد، به این فکر افتادید که این عناصر فراموش شده را احیا کنید.**

نعمت‌الله: در مورد اجزای دیگر ماجرا هم همین ایده را داشتیم. مثل این آموزه که در سینمای ایران جاقفاده شخصیت‌ها باید خاستری باشند. انگار یک جورهایی جاقفاده که شخصیت کاملاً منفی نداشته باشیم و شاهدیم که شخصیت منفی از فیلم‌های ایرانی رخت‌برسته است. شخصیت اصلی ما کاملاً منفی بود البته به شگفت انگیزی فضای فیلم هم فکر کرده بودیم.

■ **فیلم‌های ایرانی سالیان اخیر جرات‌نازدان از ساختن محل لوکیشن اصلی خود بیرون بیایند. اما شما جرات کردید در فیلم تان روی دریا، در جزیره و قطار و جاده، قصه را پیش ببرید.**

نعمت‌الله: بدمان نمی‌آمد که فیلم کمی لحن «دور دنیا در هشتاد روز» را به خود بگیرد، یعنی به قطار، هواپیما، کشتی، بان و هر چیزی که بتواند فانتزی فیلم را بالا ببرد فکر کرده بودیم که طبیعتاً همه ایده‌ها محقق نشد.

شده‌اید، پس در فیلم هم می‌توانید متعجب شوید. در فیلم‌نامه از عناصر داخل زندگی که خاصیت‌های سینمایی دارند استفاده می‌کنم.

■ **یکی از ویژگی‌های «آرایش غلیظ»، ارتباط آن با فناوری‌های روز است. شبکه‌های اجتماعی، تبلت و اینترنت و تلفن همراه در فیلم حضور پررنگ و موثری دارند، در حالی که خودت ارتباط چندانی با آنها نداری.**

نعمت‌الله: بدیهی است که آدم از چیزها و متغیرهای اطرافش تاثیر می‌گیرد. اینها شناسنامه‌ای دارند و اگر قرار است فیلم به‌روز باشد باید آنه‌ای از همین‌ها باشد. وقتی قصه در سال ۹۳ می‌گذرد باید عناصری از زمان حاضر را در فیلم ببینیم.

مقدم‌دوست: مثال دیگری می‌زنم. در حال حاضر اغلب سقف خانه‌ها را به جای مصالح، با یونولیت می‌سازند. وقتی این یونولیت‌ها را می‌زنند تا یک هفته برف یونولیت در شهر می‌بارد. این یک وضعیت سینمایی همچنان انگیز است. موضوع این است که این وضعیت امروزی و سینمایی است که در فصل بهار در کوچه‌ای راه می‌روی و انگار دار-بر می‌بارد. این موقعیت اگر بتواند در چارچوب فیلم و فیلم‌نامه بگنجد باید مورد استفاده قرار گیرد.

نعمت‌الله: وقتی فیلمی تاریخی ساخته می‌شود، خیلی طبیعی است که یک طراح صحنه بیاید و فضای آن دوران را بازسازی کند. مثلاً استفاده از این همه جزئیات و اشیاء عناصر دهه ۶۰ در سربال «وضعیت سفید» فقط به نیت احیای نوستالژی نبود. به هر حال باید فضاسازی واقعی و باورپذیری را هم مدنظر قرار دهیم.

■ **بخشی از جذابیت «آرایش غلیظ»، به نمایش روابطی برمی‌گردد که به شکلی واقعی رخ می‌دهد و در فیلم‌های دیگر نمی‌بینیم.**

نعمت‌الله: این کاری است که فیلمسازان دیگر هم باید انجام دهند و باید از آنها پرسید چرا انجام نمی‌دهند. وقتی فیلمی مربوط به امروز است باید همه عناصر امروزی در آن متجلی شود. از نحوه و ادبیات حرف زدن آدم‌ها تا اکسسوار صحنه. انگار فیلم‌ها تحت تاثیر فیلم‌های قبلی ساخته می‌شوند نه واقعیت‌های اجتماعی. نوع گویش آدم‌ها گاهی ربطی به امروز ندارد و کلیشه‌ها از فیلمی به فیلم دیگر منتقل می‌شوند. کلیشه‌ها همیشه آنقدر هاهم سرراست نیستند که بشود شناسایی‌شان کرد. گاهی با کلیشه‌ها کار می‌کنیم ولی خیال می‌کنیم کار نو و تازه‌ای انجام می‌دهیم.

■ **در «آرایش غلیظ» شخصیت پردازی آدم‌ها، حتی در شخصیت‌های فرعی عمیق و بعد دارد.**

درباره شخصیت پردازی در «آرایش غلیظ»، به‌ویژه شخصیت‌های فرعی صحبت کنیم.

نعمت‌الله: در درجه اول مثل همه چیز ازجمله شخصیت‌ها، سعی کردیم مخاطب شخصیت‌ها را به جا بیاورد و حیف است که شخصیت‌های فرعی مان را تکراری و کهنه پرورش دهیم. نو و نوگر بودن شخصیت نسبت به



فیلم‌های دیگر مدنظر مان بود.

مقدم‌دوست: هر آدمی که در داستان قرار می‌گیرد باید توسط فیلم‌نامه کاملاً شناسایی شود. مثلاً منشئی یک شرکت در سه سکانس حضور دارد و چون در داستان کارکرد دارد پس باید به‌طور کامل او را شناخت. فعلاً به مقوله شخصیت‌پردازی کاری نداریم و در مرحله شخصیت‌شناسی هستیم. لازم‌شناسایی یک شخصیت، جمع‌آوری اطلاعات است. وقتی این شخصیت در داستان قرار گرفت، شناختی که از آن شخصیت کسب کرده‌ایم قابل نصب است. بخش‌هایی که به داستان مربوط می‌شود، کنش‌های آن آدم به‌خصوص با تعریف مشخص در وضعیت داستانی را می‌بینیم. عمل شخصیت‌پردازی هم در دل همین روند و پس از شخصیت‌شناسی انجام می‌شود. هر شخصیتی که در داستان حضور فاعلانه دارد باید اجزئیات درخاسته شود. همه کارهای شخصیت‌پردازی کارا کترهای اصلی را برای کاراکترهای فرعی هم باید انجام دهیم. کارگردان باید بداند که از یک شخصیت فرعی چه می‌خواهد و باید شناخت قبلی داشته‌باشد.

■ **شخصیت مسعود و بازی حامد بهداد در این نقش از جمله بازی‌های خوب او در سال‌های اخیر است. ضمن آنکه شخصیتی کاملاً منفی و در عین حال تاثیر گذار و باورپذیر است. درباره شخصیت پردازی کارا کتر مسعود و بازی بهداد هم صحبت کنیم.**

نعمت‌الله: ما از نقطه‌ای تصمیم گرفتیم شخصیت

سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۳ □ شماره ۱۴۹۸ □ **فرهنگستان** □ ۱۱



به واسطه شغلش از مواد شیمیایی سر رشته داشته و مطلب قراضه‌ای در گوشه شهر دارد و شب‌ها را هم در همان مطلب صبح می‌کند؛ به نظر جالب است و باید می‌نوشتیمش. **مقدم‌دوست:** ما وقتی می‌خواهیم موضوع «زیست در باطل» را پرداخت کنیم، به شخصیتی عمر تپاه کرده مثل دکتر برای تکمیل منظومه شخصیتی مان نیاز داشتیم.

نعمت‌الله: اصولاً در هر فیلمی که کار می‌کنیم باید آدم‌هایی را طراحی کنیم که به منظومه شخصیتی آدم‌های قصه بخورند. تاجایی که می‌شود هم دنبال منابع علمی می‌رویم تا متوجه شویم فراوانی چه تپم آدم‌هایی زیاد است. در مورد «آقای برقی» به نقطه ضعف او یعنی زن‌ها می‌پردازیم. یعنی یکی دیگر از عناصر دنیای باطل. فانتزی‌های ما هم کاملاً محال نیستند. آقای برقی هم فانتزی قصه ما را تأمین می‌کرد و به‌هم نمونه‌ای در جامعه داشت و می‌توانست به مجموعه شخصیت‌های فیلم بپردازد.

■ **انگیزه‌های شخصیت‌ها هم برای کارهایشان روشن و واضح است. اینها را از کجا آورده‌اید؟**

نعمت‌الله: مثلاً دکتر با وجود اینکه از مسعود خوشش نمی‌آید، به‌خاطر ترس از تنهایی او را در کنار خود تحمل می‌کند. مسعود هم نیاز‌هایی دارد که می‌خواهد از طریق

دکتر آن نیاز را برطرف کند.

مقدم‌دوست: طراحی انگیزه برای شخصیت می‌تواند به دوشکل رخ دهد؛ یا از ناحیه قصه‌ای مشخص و معین یا از سوی کیفیت خلقی‌شان. شخصیت مسعود انگیزه‌اش از دزدی، حرص و طمع است. اما به‌طور مشخص روی نیاز او متمرکز نشده‌ایم. لادن به‌طور مشخص به دنبال ازدواج نیست، بیشتر می‌خواهد تنهایی خود را پر کند. تنهایی و ترس کند که هم از همین جنس است. ولی قصد نداشتم تحلیل انسان شناسی فیلم را به همان انگیزه تقلیل دهم. خیلی اوقات انگیزه‌ها بر اساس صفت آدم‌هاست نه قصه‌های مشخص. گاهی اگر صفت را داشته باشی دیگر نیازی به قصه نداری.

■ **با یک فیلم‌نامه پرکارا کتر و پریچ و خم و پرشخصیت، با بازیگران دور خوانی یا تمرین داشتید؟ روند کار چگونه بود؟**

نعمت‌الله: خیلی فرصت تمرین و دورخوانی نداشتیم و همه چیز خیلی حداقلی انجام شد. فکر کنم دوبار دورخوانی صورت گرفت. من ترجیح می‌دادم بیشتر دورخوانی کنیم ولی به تمرین خیلی اعتقادی ندارم. پیشنهادهای مختلفی هم از سوی عوامل ارائه می‌شد که به ندرت مورد قبول واقع می‌شود، البته گاهی هم قبول و اجرا شده است. پیشنهادها تا موقعی که آسیب نرساند مورد توجه قرار می‌گیرد.

■ **پرداختن به جزئیات و فضاسازی از ویژگی‌های «آرایش غلیظ» است. مثل فضای سیرک یا آن مسافرخانه و جاده.**

نعمت‌الله: لوکیشن‌ها باید جذاب باشند و البته به مسیر قصه و شخصیت‌ها هم آسیمی نرسانند. برای آن مسافرخانه از بوشهر تا جابهار رفتیم و در نهایت چنین چیزی را نیافتم و در یک خانه دکور ساختم. خواستیم حال و هوای همان حکایت‌های شرقی را زنده کنیم.

مقدم‌دوست: در مقابل در خیاط مسافرخانه هم نمادی از دنیای مدرن یعنی چادر سفری را می‌بینیم وسط این دنیای فانتزی مدرن.

نعمت‌الله: بیشتر می‌خواستیم حال و هوای کاروانسراهای حکایت‌های پندآموز خودمان را زنده کنیم. می‌خواستیم وجه افسانه‌پردازی را تقویت کنیم، اما نخواستیم خرج خودمان را از مخاطب جدا کنیم که بگوییم ما روشنفکریم و ما داریم کارهای هنری می‌کنیم، تنهایی که کمی فاصله گرفتیم در طراحی و شش‌فکرتا و کلاسیک‌پوستر فیلم‌مان. اما فاصله‌گذاری دیگری میان خودمان و تماشاگر انجام دادیم.

مقدم‌دوست: تاجایی که عده‌ای می‌گویند «آرایش غلیظ» فیلم فارسی است.

نعمت‌الله: اما بیشتر سعی مان این بود که بدون تکبر فیلم بسازیم؛ به محتوا، نه در فرم.

مقدم‌دوست: حتی در روایت، خود فیلم «نهان روشی» نکرد و همه چیز را با تماشاگر در میان گذاشت. حتی در نحوه توزیع اطلاعات سعی نکردیم تماشاگر را در موقعیتی قرار دهیم که به او بگوییم من از تو بیشتر می‌دانم. آورده فیلم برای تماشاگر غافلگیری انتهایی نیست، بلکه همراه کردن او در تکوین قصه است. بدیهی است وقتی فیلمی درباره شر است، در نهایت متلاشی شدن آدم‌های منفی مدنظر است. ما سعی کردیم کیفیت و سازوکار این متلاشی شدن را تصویر کنیم. اما متأسفانه این گونه‌جا افتاده که فیلم‌یاد خود را از مخاطبش بالا ببردند. **نعمت‌الله:** می‌دانیم ما داریم به روشنفکرهایی هستیم که به گونه‌ای از سینما ادای دین می‌کنیم. اما در مورد «آرایش غلیظ» چنین قصه‌ی نداشتم. ما خود فیلم را می‌سازیم و به آن علاقه‌مندیم. ادای دینی هم در کار نیست. تعزیری پیدا می‌شود که من را اودست‌ندارم.

هادی مقدم‌دوست و حمیدنعمت‌الله